

بررسی جایگاه مردم در نظام اسلامی از منظر شهید مطهری

زینب زارع‌زاده^۱

چکیده

پژوهش حاضر باهدف بررسی جایگاه مردم در نظام اسلامی از منظر شهید مطهری انجام شد. در این پژوهش از روش تحقیق کیفی استفاده شده و روش تجزیه داده‌ها به صورت توصیفی است. نتایج نشان داد که شهید مطهری علاوه بر تلاش برای تبیین و تحلیل اندیشه‌های اصیل، اسلامی بخش عمده‌ای از تلاش‌های خود را به آسیب‌شناسی اندیشه‌های موجود اختصاص داده بود تا در آن راستا، مانع انحراف اندیشه سیاسی اسلام از مسیر اصلی آن شود. بدون شک هر چه جامعه و محیط فکری جهان اسلام و ایران با آفات و تهاجم بیشتر مواجه شود، رجوع بیشتر به آثار و افکار شهید مطهری الزامی‌تر است؛ آثار و افکاری که امروزه حتی بیش از گذشته واقعیات موجود در جوامع اسلامی و نگرش دیگر جوامع و مکاتب به آن را روشن می‌سازد. حکومت ولی فقیه نیز بر این اساس بر ۲ پایه استوار می‌شود: ۱. انتصاب کلی شارع که شرایط و صفات رهبری را بیان کرده ۲ انتخاب مردمی به عنوان حقوق فطری و طبیعی آنها که در نهایت این ۲ عنصر موجود مشروعیت ولی فقیه می‌شود و حیطه نفوذ حاکم اسلامی نیز بر این مبنا بر میزان پذیرش او از طرف مردم بستگی دارد. در نهایت از مجموعه مباحث این پژوهش استنباط می‌شود که اسلام و بخصوص نظام حکومتی ولایت فقیه دموکراسی را نه به معنای دخل و تصرف در قوانین الهی در تعیین نوع حکومت می‌پذیرد نه دخالت در اوامر الهی را و مردم فقط در چارچوب دینی می‌توانند به فعالیت سیاسی بپردازند. در همین راستا باید گفت که در نظام سیاسی مورد نظر شهید مطهری مردم حق انتخاب حاکمان و مسئولان سیاسی و نظارت و عزل آنها را دارند؛ ولی این نظام بر مبنای دین شکل می‌گیرد و سیاست نیز تنها در چارچوب دینی اعمال می‌شود.

کلمات کلیدی: شهید مطهری، مردم، مشروعیت، نظام اسلامی

^۱ طلبه سطح دو. مدرسه علمیه کوثر ابرکوه

1. مقدمه

بدون تردید انسان در مکتب اسلام از جایگاه و منزلت ویژه‌ای برخوردار شده است بر پایه دیدگاه‌های شهید مطهری به مسئله انسان و شناسایی استعداد‌های انسانی توجه خاص شده است و اسلام به وسیله تنظیماتی به پرورش آن استعدادها اعم از جسمی، روحی، عقلانی و غیر می‌پردازد. اما نکته قابل توجه که ایشان نیز به راستی به آن اهمیت داده، نگاه جامع تربیتی اسلام در پرورش همه جانبه استعدادها به صورت یک نظام است و در نگاه انحصاری به بعضی ویژگی‌ها بدون در نظر داشتن سایر عوامل به همین دلیل است که وی در این بحث از اسلام به عنوان یک مکتب تربیتی و انسان ساز یاد می‌کند به طور کلی در تربیت روحی انسان‌ها هم عین این مطلب است یک وقت مکتبی منظوری را در نظر می‌گیرد و می‌خواهد انسان را طوری بسازد که آن منظور تأمین شود، ولو این که در انسان یک کاستی‌هایی به وجود آورد یک احساسات طبیعی را از انسان بگیرد و نقص روحی یا جسمی در او ایجاد کند؛ ولی بالاخره انسان برای آن منظور خوب ساخته می‌شود؛ اما یک وقت هست که مکتب در خدمت انسان است، یعنی منظوری بیرون از انسان ندارد، هدف او به سعادت رساندن و تکمیل انسان است نه این که منظور دیگری داشته باشد و انسان را برای این منظور بخواهد بسازد². به اصطلاح مکتبی می‌شود. انسانی مکتب تربیتی انسانی مکتبی است که هدف آن پیر بود بیرون از خود انسان نیست؛ یعنی بر اساس به کمال رساندن انسان است این مکتب باید بر اساس پرورش استعدادها و نیروهای انسانی و بر اساس تنظیم آنها باشد؛ یعنی حداکثر کاری که این مکتب می‌تواند انجام دهد دو چیز بیشتر نیست یکی این که در راه شناخت استعداد‌های انسانی انسان و پرورش دادن آنها و نه ضعیف کردن آنها کوشش بکند و دوم این که نظامی میان استعداد‌های انسانی برقرار نماید که چون انسان از یک نوع آزادی خاص در طبیعت برخوردار است در اثر این نظام هیچ گونه افراط و تفریطی حکم فرما نباشد؛ یعنی هر نیرویی که هر استعدادی حظ خودش را ببرد و به بقیه تجاوز نکند³

مردم در حکومت، تأمین کننده رکن اول حکومت یعنی قدرت است. اما مقوم رکن دوم حکومت یعنی مشروعیت در نظام اسلامی اراده خداوند است؛ زیرا منبع مشروعیت باید خود مشروع و شایسته بالذات باشد و تنها اراده خداوند است که عادل بالذات و مشروع بالذات است و اراده انسان یا جامعه انسانی نمی‌تواند ملاک عدالت و مشروعیت حکومت قلمداد شود و همین ویژگی است که حکومت اسلامی را از حکومت‌های دیکتاتوری و حکومت‌های مبتنی بر دموکراسی متمایز ساخته است؛ زیرا در حکومت‌های دیکتاتوری، مردم مقوم قدرت حکومت نیستند و در حکومت‌های دموکراسی، خداوند مقوم مشروعیت حکومت نیست. جایگاه مردم در اندیشه سیاسی اسلام از مباحثی است که در سال‌های اخیر توجه بسیاری از صاحب نظران را به خود جلب نموده است. این بحث را می‌توان از دیدگاه شهید مطهری بررسی قرارداد⁴.

² (حسینی، ۱۳۸۸: ۲۵).

³ (مطهری، ۱۳۷۲: ۵۶-۵۷).

⁴ (سرپرست، ۱۳۹۵).

شهید مطهری فقیهی آگاه به زمان و متفکر و مجتهدی بود که نیازهای زمان خود را به‌خوبی درک می‌کرد و همواره در جستجوی آن بود که به شبهات مطرح شده در زمان خود پاسخ بگوید و نیازهای جامعه اسلامی را در زمینه‌های مختلف علمی و اعتقادی برطرف کند و حتی از شبهات و تشکیلات که در مسائل اسلامی می‌شد استقبال می‌کرد و این شبهات را موجب روشن‌تر شدن حقایق اسلام می‌دانست؛ بنابراین هدف وی پرداختن به لازم‌ترین موضوعات زمان خویش و گره‌گشایی از مسائل اسلامی و ارائه حقایق اسلام بود.^۵

بر صاحب‌نظران پوشیده نیست که یکی از مسائل مهم جامعه اسلامی، حکومت اسلامی و دیدگاه اسلام درباره مسائل حکومت و سیاست است و به نظر می‌رسد از آنجا که مطهری به‌عنوان یکی از نظریه‌پردازان انقلاب اسلامی شناخته می‌شد بایستی در زمینه حکومت اسلامی که یکی از مباحث بسیار مهم و اساسی جامعه اسلامی است نیز نظریه‌ای داشته و آن را از جنبه‌های مختلف به‌خوبی تبیین کرده باشد؛ ولی در ابتدای امر برای مراجعه‌ای سطحی به آثار استاد مشاهده می‌شود که کتاب و یا تحقیق جامعی در این موضوع بر جا نگذاشته است. با آن که ایشان در بسیاری از مسائل دیگر محققان وارد شده و با جامعیت و روش علمی منحصر به فرد خود آنها را موشکافی کرده و آثار ارزنده و جاودانی از خود به یادگار گذاشته است؛ ولی باید دانست از آنجا که تا قبل از پیروزی انقلاب به مباحث نظری حکومت اسلامی به‌صورت خیلی جدی مطرح نبود؛ لذا استاد به مباحثی که بیشتر مورد نیاز زمان بود می‌پرداخت و در حقیقت، زمینه را برای حکومت اسلامی آماده می‌کرد و در سنگر ایدئولوژی با افکار و جریان‌های التقاطی مبارزه و اصول مسلم اسلامی را تبیین می‌کرد؛ اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مباحث نظری حکومت اسلامی بیشتر مورد توجه اذهان خاص و عام قرار گرفت به جز ضروری بود تا استاد به‌صورت جدی وارد میدان شود و مبانی حکومت اسلامی را تبیین کند. اما این بار با خون خود و به‌صورت عملی این عرصه را پیمود در همین فرصت اندک روزهای نخست پیروزی انقلاب اسلامی چند مصاحبه تلویزیونی و سخنرانی درباره انقلاب اسلامی می‌بود جمهوری اسلامی و حکومت اسلامی داشت که بعدها به‌صورت دو کتاب پیرامون جمهوری اسلامی و پیرامون انقلاب اسلامی منتشر شد.^۶ استاد مطهری به اهمیت و ضرورت بحث درباره حکومت اسلامی آگاه بود و بدان توجه خاصی داشت و طرح آن را در درجه اول ضرورت دانسته و می‌گوید از مقررات اسلامی آنچه به نظر می‌رسد لازم است از این نظر بررسی شود در درجه اول، مسئله حکومت و توابع آن است که به گمان عده‌ای می‌بود اسلام تکلیف و وظیفه مسلمین را در این مسئله مهم به طور کامل معین نکرده است^۷ اصولاً ایشان یکی از عوامل تحرک و انعطاف مقررات اسلامی و انطباق آن با مقتضیات و نیازهای زمان را حکومت اسلامی و اختیارات حاکم اسلامی ذکر می‌کند.

اساس اندیشه سیاسی شهید مطهری برای دوران جدید از یک سو نظریه امامت شیعه و از سوی دیگر حق حاکمیت ملی و حقوق مردم است. مطهری در آثار خود در جاهای مختلف نشان داده که دغدغه اصلی وی در زمینه حکومت جمع بین این دو مؤلفه با استفاده از تجربه‌های تاریخی جهان اسلام و جهان معاصر است. مطهری از یک سو به دنبال تحقق اهداف شریعت در حکومت و دولت اسلامی است و از سوی دیگر باتوجه به تجارب تاریخی جوامع اسلامی و جوامع غربی به دنبال اندیشه‌ای درباره دولت است که در آن حقوق مردم به طور کامل مراعات شود. به طور طبیعی نگاه شهید مطهری به مقوله مشروعیت نیز در چارچوب برآوردن همین هدف است و مردم نیز در نظام اسلامی بر اساس همین تقسیم‌بندی جایگاه و نقش خود را پیدا می‌کنند. در همین راستا و باتوجه به گذشت بیش از چهار دهه از شکل‌گیری حکومت اسلامی در ایران بررسی آراء و نظرات متفکرانی همچون شهید مطهری که در بعد نظری در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی در ایران تأثیرگذار بودند و انطباق آن با شرایط کنونی کشور می‌تواند بسیار راه‌گشا باشد.

^۵ (مطهری ۱۳۷۷: ۱۴-۱۵)

^۶ (ترابی، ۱۳۹۵)

^۷ (مطهری، ۱۳۷۷: ۱۷)

از جمله مسائلی که در سال‌های اخیر محل بحث و نزاع بسیاری در محافل روشنفکری و دانشگاهی کشور بوده است نقش و جایگاه مردم در حکومت اسلامی است. برای این منظور در پژوهش حاضر پرتوی افکنده شده است بر آراء شهید مطهری در باب جایگاه مردم در نظام اسلامی تا به درک و روشن شدن بحث کمک نماید و از نظر مطهری اسلام شکل خاصی برای حکومت در نظر نگرفته است؛ بلکه در اسلام اهداف حکومت و بهترین راه رسیدن به این اهداف اهمیت دارد و در جمهوری اسلامی، جمهوری شکل است؛ یعنی حکومتی که مردم حق انتخاب دارند و اسلام محتوا است.^۸

شهید مطهری از جمله متفکرانی است که به مباحث سیاسی توجه خاص داشت هر چند فرصت آن را نیافت که به تفصیل در باب سیاست سخن بگوید، اما در لابه‌لای آثار خود به‌ویژه بعد از انقلاب اسلامی مطالبی را مطرح کرده که زوایایی از اندیشه سیاسی او را آشکار می‌سازد. در عین حال بسیاری از مباحثی که استاد حتی بدون اشاره به موضوع حکومت اسلامی ارائه کرده‌اند، دارای این قابلیت هست که با تشریح و تدوین افزون‌تر در مسائل نظری و عملی حکومت اسلامی به کار گرفته شود.

بازخوانی اندیشه رهبران انقلاب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا هر انقلابی دارای مراحل است و نخستین و مهم‌ترین، مرحله قیام فکری و فرهنگی علیه نظام حاکم است. رهبران انقلاب و داعیه‌داران قیام و اصلاح، ابتدا باید بطلان بی‌پایگی و انحطاط فرهنگ حاکم و بی‌صلاحیتی، پوچی، پستی و رذالت حاکمان جامعه را تبیین کرده و به مردم بیاوراند و در قبال آن، فرهنگی متعالی، عقلانی، فطری حیات‌بخش حرمت آور و کرامت‌زا و مجربانی صادق، عالم، خالص، توانا و بی‌چشمداشت به مردم عرضه کنند در این صورت فطرت توده مردم به آنان متمایل می‌شود و غالب انسان‌ها که به طور طبیعی و فطری عدالت‌خواه و کرامت‌طلبند به یاری آنان برای قیام اعلام آمادگی خواهند کرد و زمینه‌های انقلاب و قیام پیدا خواهد شد. اندیشه‌های شهید مطهری در پیروزی انقلاب اسلامی تأثیر بسزایی داشت.^۹ باتوجه به جایگاه و نظرات ایشان در باب انقلاب اسلامی لازم است تا از طریق شناخت و مطالعه اندیشه‌های ایشان به شناخت دقیق‌تری از نقش و جایگاه مردم در انقلاب اسلامی پی ببریم امروزه مسائل متفاوتی درباره مشروعیت حکومت مطرح است؛ مانند اینکه برخی قائل به سنتی بودن مشروعیت حکومت هستند که خود دارای شاخه‌های متفاوتی است؛ مانند اندیشه ضل‌اللهی، سلطنت الهی یا قائل به قرارداد هستند به‌طوری‌که دولت را حافظ منافع شهروندان می‌دانند و آن را ملزم به برآوردن نیازهای مردم می‌دانند به عبارت دیگر نیازی که بر جوامع حادث شده مردم را به سمتی سوق می‌دهند که نهادی تشکیل دهند که آن نیاز را بر طرف کنند و به طور ضمنی تأمین این نیاز به وسیله قرارداد به دولت واگذار می‌شود یا اینکه مشروعیت حکومت به وکالت دادن مردم به آن و در اصل حکومت وکیل مردم است و یا اندیشه دموکراسی که این مردم هستند که مشخص می‌کنند چه کسی در رأس امور واقع شود و به وسیله قانون‌گذاری که توسط مردم قانون‌گذاری انتخاب می‌شوند، قانون مورد نیاز و توقع مردم را وضع کنند و اجرا کنند که نماد آن دولت‌های مدرن با شاخصه تفکیک قوا به انحای مختلف هستند که در نهایت مشروعیت آنها به مردم برمی‌گردد.^{۱۰}

پژوهش حاضر با عنوان جایگاه مردم در نظام حکومتی اسلام دو رکن اساسی حکومت، یعنی قدرت و مشروعیت را از منظر شرع و عقل مورد بررسی قرار داده است. از دیدگاه شهید مطهری در اسلام بهره‌گیری از قدرتی مافوق اراده و اختیار مردم برای موجودیت و برپایی حکومت اسلامی ناپسند است از دیدگاه عقل نیز، اقامه عدل اجتماعی بدون اراده جمعی ممکن نیست؛ بنابراین نقش مردم در حکومت تأمین‌کننده رکن اول حکومت یعنی قدرت است؛ اما مقوم رکن دوم حکومت یعنی مشروعیت

^۸ (علی‌خانی، ۱۳۸۴)

^۹ (فیرحی، ۱۳۸۴)

^{۱۰} (لمپتون، ۱۳۸۴)

در نظام اسلامی اراده خداوند است؛ زیرا منبع مشروعیت باید خود مشروع و شایسته بالذات باشد و تنها اراده خداوند است که عادل بالذات و مشروع بالذات است و اراده انسان یا جامعه انسانی نمی‌تواند ملاک عدالت و مشروعیت حکومت قلمداد شود

و همین ویژگی است که حکومت اسلامی را از حکومت‌های دیکتاتوری و حکومت‌های مبتنی بر دموکراسی متمایز ساخته است؛ زیرا در حکومت‌های دیکتاتوری مردم مقوم قدرت حکومت نیستند و در حکومت‌های دموکراسی، خداوند مقوم مشروعیت حکومت نیست جایگاه مردم در اندیشه سیاسی اسلام از مباحثی است که در سال‌های اخیر توجه بسیاری از صاحب‌نظران را به خود جلب نموده است. این بحث را می‌توان از دیدگاه شهید مطهری بررسی قرارداد.

در این پژوهش به دنبال طرح و پاسخگویی به آن هستیم که مبانی مشروعیت در اسلام چیست و مردم و حق طبیعی و فطری که در انسان نهاده شده آیا تأثیری بر مشروعیت حکومت دینی در اسلام دارد یا خیر همچنین از مهم‌ترین سؤالاتی که در این پژوهش در پی یافتن پاسخ مناسب برای آن هستیم این موضوع است که مردم از چه حدود و اختیاراتی در تعیین سرنوشت خود برخوردار هستند و جایگاه آنها در نظام سیاست‌گذاری اسلامی در کجاست این سؤال از منظر نظرات شهید مطهری پرسیده شده و در ادامه این تحقیق به آن پرداخته خواهد شد.

مشروعیت از دیدگاه شهید مطهری از آن کیست؟

قدرت حکومت از دیدگاه شهید مطهری از آن کیست؟

2. روش تحقیق

روش پژوهش حاضر از نوع تحلیلی - توصیفی است. برای انجام این تحقیق، کلیه منابع و مراجع مرتبط با آراء و اندیشه‌ای فلسفی - تربیتی استاد مطهری با روش تحلیل متن مورد بررسی قرار گرفته و نمونه‌برداری انجام نشده است. اطلاعات موردنیاز با شیوه کتابخانه‌ای جمع‌آوری و با استفاده از ابزار فیش‌برداری با ذکر دقیق منبع، اطلاعات گردآوری شده بانظم منطقی دسته‌بندی و مورد بررسی محتوایی قرار گرفت اند. در نهایت، با طی این مراحل، پاسخ به سؤالات پژوهش تبیین و صورت‌بندی شده است.

3. چارچوب نظری

3-1 نوع حکومت از نگاه شهید مطهری

در نظر و اندیشه استاد مطهری که نماینده جریان فکری روحانیت و اسلام‌گرایی است، حکومت پیامبران و ائمه قبل از دوران غیبت به رأی و خواست مردم و شورا مربوط نیست زیرا برگزیده الهی است؛ اما برای دوران غیبت حکم اجتماع مدنی یعنی حاکمیت ملی امری صحیح و عقلانی است استاد مطهری سه گونه اجتماع را از هم بازشناخته است و نخست اجتماع غریزی (مانند اجتماع زنبور عسل و مریدان که هم حدود حقوق و مقررات از جانب طبیعت معین شده و امکان سرپیچی نیست). دوم اجتماع خانوادگی طبیعی قراردادی و سوم اجتماع قراردادی مانند اجتماع مدنی انسان‌ها که کمتر جنبه طبیعی و غریزی دارد.^{۱۱} یگانه قانون طبیعی در اجتماع مدنی، قانون آزادی حذافصل مساوات است تمام مقررات اجتماعی باید بر اساس دو اصل آزادی و مساوات تنظیم شود نه چیز دیگر یعنی آزادی و مساوات در بین مردم باید رعایت شود و هیچ یک را بر دیگری برتری نمی‌دهد. نکته مهم دیگر این که در اندیشه و آوردگاه استاد مطهری فلسفه اجتماعی اسلام اعتقاد به خداوند، نفی‌کننده پذیرش حکومت

^{۱۱} (مطهری، ۱۳۸۹: ۲۶)

همه‌جانبگی و فراگیر دانستن اسلام باعث شد تا شهید مطهری در جامه یک اندیشمند سیاسی همواره از روزنه دین حنیف اسلام به پدیدارهای اجتماعی و سیاسی بنگرد و مفاهیم سیاسی را در سایه‌سار آموزه‌های اسلامی مورد واکاوی قرار دهد. شهید مطهری از معدود متفکران اسلامی است که به‌گونه‌ای نظام‌مند در باب اندیشه و ابعاد مختلف فلسفی، اجتماعی، متدولوژیک روش شناخت دینی، فرهنگی و سیاسی آن کار کرده و بنیانی را گذاشته است که در آینده همچنان راه‌گشای دوستداران مباحث فلسفی - اندیشه‌ای جهان اسلام خواهد بود. شهید مطهری پس از روشن کردن بنای متدولوژیک بحث خود به ایجاد بنیادهای فلسفی بحث پرداخته و سپس وارد حوزه اجتماع و فرهنگ شده و در نهایت به نتیجه سیاسی می‌رسد؛ بنابراین در بحث اندیشه‌های سیاسی ایشان نیز باید این روال را مدنظر قرارداد. بدون شک تکمیل بحث در قالب مقاله کوتاه وافی به مقصود نخواهد بود؛ اما امیدواریم این مقاله به‌عنوان مدخلی بر کارهای بیشتر در زمینه افکار و آثار آن شهید بزرگوار مثمر‌تر باشد.

شهید مطهری انسان را موجودی اجتماعی می‌داند که هدف‌های وی در اجتماع برآورده می‌شود. وی معتقد است انسان به حکم عقل و اراده زندگی اجتماعی را انتخاب کرده است به‌خاطر اینکه بتواند نیازهای خود را که در متن خلقت او نهفته است بهتر تأمین کند.^{۴۵} در نتیجه در اندیشه شهید مطهری انسان موجودی است که در بستر اجتماعی رشد و نمو پیدا نمود و نمی‌توان آن را از بسترهایی که در آن می‌زید جدا نمود.

وی بر این عقیده است که سیر کمال انسان از جسم مادی شروع می‌شود و به‌سوی انسانیت کمال می‌یابد کمال و سعادت برای انسان فطری نیست؛ بلکه وصول به کمال و سعادت فقط به واسطه افعال ارادی امکان‌پذیر است؛ بنابراین انسان، آزاد انتخاب‌گر و صاحب‌اختیار است و به همین علت است که انسان دارای عقل و اراده است در نتیجه از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌های کمال در اندیشه مطهری نقش اراده و اختیار در سیر تکاملی و مسیر سعادت است. مطهری بیان می‌کند با تشکیل حکومت اسلامی می‌توان بسیاری از احکام اسلامی را اجرا کرد و هم می‌توان به اصلاح و اداره زندگی انسان پرداخت در گفتمان مطهری مسائل فردی و اجتماعی در کنار یکدیگر موردتوجه قرار می‌گیرند و جهت تحقق و اجرای همه جنبه‌های فقهی‌اید حکومت دینی شکل بگیرد و حکومت نقش اساسی در بهزیستی دینی و سعادت معنوی و اخروی و دنیوی انسان‌ها دارد.^{۴۶} بنابراین نتیجه می‌گیریم که در نظر مطهری علاوه بر تأکید بر لزوم ایجاد حکومت بر وسیله بودن حکومت برای هدفی والا تر تأکید گردیده است.

مطهری به نوع خاصی از حکومت اشاره می‌کند و آن را ناشی از اعطای حق حاکمیت از جانب خداوند به پیامبر و سپس به اهل‌بیت و در اصل غیبت به فقهای عصر می‌داند از نظر وی در عصر غیبت این ولی‌فقیه است که به دلیل دارا بودن فهم و شناخت عمیق می‌تواند احکام شرعی را با استفاده از ادله تفصیلی استنباط کند بدین ترتیب سخن وی به این معناست که حق مرجعیت دینی و زعامت سیاسی و اجتماعی و اداره امور جامعه به عهده فقیه جامع‌الشرایط می‌باشد^{۴۷} وی در ادامه اضافه می‌کند بدیهی است افرادی می‌توانند عهده‌دار چنین رهبری شود که در متن فرهنگ اسلامی پرورش یافته باشند و با قرآن و سنت و فقه و معارف اسلامی آشنایی کامل داشته باشند و از این‌رو تنها روحانیت است که می‌تواند نهضت اسلامی و رهبری نماید به‌طور کلی در اندیشه وی نقش روحانیون در سیاست بااهمیت ارزیابی شده است به نظر می‌آید در شکل حکومت این متفکر بر نقش روحانیون در حکومت تأکید می‌شود.

از نظر مطهری پشتوانه تمام مقدرات، بشری اعم از عدالت، مساوات آزادی و انسانیت فقط دین است. بدیهی است که برقراری عدل در نظامات اجتماعی موقوف به این است که اولاً نظام تشریعی و قانونی نظامی عادلانه باشد و ثانیاً به مرحله اجرا درآید.

^{۴۵} (روشن، ۱۳۷۵: ۲۳۳)

^{۴۶} (مطلبی، ۱۳۹۵: ۹۳)

^{۴۷} (ترابی، ۱۳۹۵: ۸۵)

از نظر وی عدل پایه و مبنای حقوق در اسلام است و هر حکمی که خارج از حیطه عدالت

باشد از دایره قوانین اسلامی خارج است به همین دلیل وی در تفسیر قانون عادلانه می‌نویسد: این بستگی دارد که اولاً بدانیم معنای عدالت چیست و ثانیاً قوانین و مقررات اجتماعی را به چه شکلی باید وضع کرد که عدالت تأمین گردد از نظر وی قانون فرع بر عدالت است، عدالت فرع بر حق است و حق امری طبیعی واقعی عینی و مجزا از قرارداد انسان‌هاست براین‌اساس، مطهری مبنای عدل را حق می‌داند.

مطهری نقش مردم را در حکومت مثبت ارزیابی می‌کند وی چگونگی انتخاب ولی‌فقیه را از طریق انتخاب مردم معرفی می‌نماید و آن را این‌گونه توصیف می‌کند ولایت‌فقیه یک ولایت ایدئولوژیکی است و اساساً فقیه را خود مردم انتخاب می‌کنند و این امر عین دموکراسی است اگر انتخاب فقیه انتصابی بود و هر فقیه‌ی فقیه بعد از خود را تعیین می‌کرد جا داشت که بگوییم این امر خلاف دموکراسی است^{۴۸}

سخن مطهری در تعامل مردم و حاکم حتی در عصر حاکمیت امام معصوم این‌طور بیان شده است که امام و حکمران امین و پاسبان حقوق مردم و مسئول در برابر آنهاست از این رو حکمران و مردم اگر بناست یکی برای دیگری باشد این حکمران است که برای توده محکوم است نه توده محکوم برای حکمران این نشان می‌دهد که مردم در دیدگاه وی بااهمیت محسوب می‌شود به این‌معتقد است در جامعه اسلامی سازوکار حکومت و حاکمیت باید به شکلی باشد که ولی‌فقیه و مسئولان جامعه اسلامی پاسخگوی مردم باشند و مردم نیز ملزم به استیفای حقوق اجتماعی خود هستند وی معتقد به ضرورت نظارت مردم بر رهبری است و بر این باور است که مردم که مقام قدسی داشتن حکام اختصاص به جهان تسنن دارد و شیعه چنین اعتقادی نداشته است.^{۴۹}

به‌طور کلی در دیدگاه مطهری مردم به انجام اموری موظف و مکلف شده‌اند و حاکم نیز از سویی در برابر آنها مسئول و پاسخ‌گوست. این‌گونه نیست که مردم تنها فرمان‌بردار و مکلف باشند و هیچ حقوقی نداشته باشند و حاکم رها از هر قیدوبندی حکومت خودکامه‌ای بنا کند و مردم را برده و بنده خویش سازد در حکومت اسلامی رابطه حکومت با مردم یک‌سویه نیست. یک انسان مسلمان نه تنها حق دارد؛ بلکه موظف است در امر حکومت مشارکت نماید و در صورت بروز نارسایی و نابسامانی به انتقاد از وضع موجود بپردازد؛^{۵۰} بنابراین جایگاه مردم در اندیشه سیاسی مطهری مهم ارزیابی می‌گردد و از جمله جنبه‌های مشروعیت حاکم توجه به نقش مردم است و شرط مشروعیت حاکم مقبولیت نظام حاکم از طرف مردم است.

استاد مطهری، به‌عنوان یک متفکر اسلامی به بسیاری از مسائل همانند ضرورت برپایی حکومت اسلامی، ملاک مشروعیت حکومت حق حاکمیت انواع حاکمیت، انواع حکومت‌ها گونه‌های ولایت (، مثبت، منفی، خاص (عام) ولایت معصومان، ولایت فقیه، سیستم قانون‌گذاری در اسلام، شیوه حکومت، شکل حکومت، جمهوریت و اسلامیت هدف‌های، حکومت، اخلاق کارگزاران حکومت اسلامی، دموکراسی و دین و نقش و جایگاه مردم در حکومت اسلامی را طرح کرده و به بسیاری از پرسش‌ها و شبهات نیز در مسائل سیاسی حکومتی پاسخ گفته است. باتوجه‌به مباحث مطرح شده آنچه در مورد افکار و اندیشه‌های شهید مطهری در باب حکومت اسلامی و جایگاه مردم در این حکومت قابل ذکر است را می‌توان در موارد زیر جمع‌بندی نمود.

- استاد مطهری بحث از حکومت اسلامی را ضروری و در درجه اول می‌داند.

⁴⁸ (مطهری، ۱۳۷۲: ۸۶)

⁴⁹ (مطهری، ۱۳۸۲: ۲۹).

⁵⁰ (لک‌زایی، ۱۳۸۲: ۱۰۹)

وی طرح همبستگی دین و سیاست و آگاهی سیاسی را ضرورت شرعی اعلام می‌کند و جدایی دین و سیاست را طرح عاملان استعمار قلمداد می‌نماید به نظر، وی اسلام هنگامی قادر است

در مقابل نظام‌های الحادی مقاومت کند که به صورت فلسفه زندگی حکومت کند و به گوشه مساجد و معابد محدود نباشد.

- استاد مطهری حکومت اسلامی را استمرار حرکت اولیا و انبیای الهی می‌داند.

از نشر شهید مطهری اسلام شکل خاصی برای حکومت در نظر نگرفته است، بلکه در اسلام اهداف حکومت و بهترین راه رسیدن به اهداف اهمیت دارد در جمهوری اسلامی، جمهوری «شکل» است، یعنی حکومتی که مردم حق انتخاب دارند و اسلامی محتوا است، یعنی اداره حکومت با اصول و مقررات اسلامی و حرکت در مدار اصول اسلامی باشد.

- اهداف حکومت از نظر وی عبارتند از احیای سنت‌های اسلامی اصلاح شهرها و سامان دادن به زندگی مردم نجات مظلومان از شر ظالمان و اجرای مقررات اسلامی

- ملاک مشروعیت حاکم ولایت است نه وکالت، یعنی متابعت مشروع به نحو ولایت. - وظیفه ولی فقیه نظارت بر جامعه اسلامی و مجریان قانون است تا در چارچوب ایدئولوژی اسلامی به انجام امور اجتماعی بپردازند؛ بنابراین لازم نیست فقیه کار اجرایی کند و در رأس دولت قرار گیرد؛ ولی فقیه نقش ایدئولوگ را در نظام اسلامی بر عهده دارد.

- انسان آزاد، انتخاب‌گر و صاحب اختیار است و به همین علت است که انسان دارای عقل و

اراده است. در نتیجه از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌های کمال در اندیشه مطهری نقش اراده و اختیار در سیر

تکاملی در مسیر سعادت است.

- اجتهاد و تخصص در وضع مقررات اصلی و تصویب مجتهد جامع‌الشرایط در وضع قوانین داخلی، شرط قانون‌گذاری است.

- در اسلام به واسطه، وحی به پیغمبر اختیاراتی داده شده که به عنوان ولی امر مسلمین طبق اختیارات خودش عمل کند و این موضوع راجع به شئون حکومتی پیامبر و امام است و قابل انتقال به حاکم شرعی است.

- جایگاه مردم در نظام سیاسی اسلامی بسیار پر اهمیت است؛ زیرا در سیستم حکومتی شیعی در زمان غیبت امام، معصوم اگرچه ماهیت حکومت ولایی است و مشروعیت خود را از آن دارد؛ اما رأی مردم در قبول حاکم و نیز مقبولیت نظام شرط اساسی تلقی می‌گردد و به شکل مستقیم و یا غیرمستقیم در سیستم سیاسی نظام لحاظ می‌گردد

منابع

❖ قرآن کریم

❖ نهج البلاغه

۳. سیری در نهج البلاغه، تهران، صدرا، ۱۳۵۳. ش؛

۴. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین، ۱۳۸۲. ش؛

۵. باباپور، محمدمهدی، آشنایی با اندیشه سیاسی شهید مطهری قم مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۹۰. ش؛

۶. باقی نصرآبادی، علی. (۱۳۹۹). راهبری حکومت اسلامی در مدیریت فرهنگ با تأکید بر آرای شهید مطهری. سیاست متعالیه، ۸(۳۱)، ۲۶۳-۲۸۰، ۱۳۹۹. ش؛

۷. ترابی، محمد، مقایسه مبناهای کلامی و تبیین قلمرو دین از دیدگاه شهی مطهری و مجتهد شبستری در باب حکومت، سپهر سیاست، شماره ۹. ۱۳۹۵. ش؛
۸. جباری تکان تپه، سیدهادی، شاخصه‌ها و معیارهای حکومت اسلامی در نظام فکری شهید مطهری (ره)، اولین کنفرانس بین‌المللی انقلاب علوم انسانی اسلامی، ساری. ۱۴۰۳. ش؛
۹. حسینی، ام‌الله، سیاست و حکومت در اسلام از دیدگاه استاد مطهری، فقه اهل‌البیت، سام سیزدهم، شماره ۴۹. ۱۳۸۸. ش؛
۱۰. روشن، امیر، آزادی و اندیشه دو اندیشه‌گر احیا تفکر مذهبی در ایران معاصر دکتر علی شریعتی و استاد مطهری، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد علوم، سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس. ۱۳۷۵. ش؛
۱۱. سرپرست، ابراهیم، دموکراسی اصولی در آرا استاد مطهری، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، شماره ۱۸. ۱۳۹۵. ش؛
۱۲. علی‌خانی، علی‌اکبر، مالک بن نبی، در: اندیشه سیاسی در جهان اسلام، جلد ۲، تهران، جهاد دانشگاهی. ۱۳۸۴. ش؛
۱۳. فیرحی، داوود، نظام سیاسی و دولت در اسلام، تهران، سمت. ۱۳۸۴. ش؛
۱۴. قدردان ملکی، محمدحسین، حکومت دینی از منظر استاد شهید مطهری، تهران، مؤسسه فرهنگ دانش و اندیشه معاصر. ۱۳۷۰. ش؛
۱۵. لک‌زایی، شریف، آزادی سیاسی در اندیشه آیت‌الله مطهری و آیت‌الله بهشتی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی. ۱۳۸۲. ش؛
۱۶. لمپتون، آن. کی. اس، دولت و حکومت در اسلام، سیری در نظریه سیاسی فقهای مسلمان از صدر اسلام تا آخر قرن سیزدهم، ترجمه سید عباس صالحی، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج. ۱۳۸۴. ش؛
۱۷. محمود پناهی، سید محمد رضا، بررسی دلایل ظهور ماهیت دینی حکومت در انقلاب اسلامی از دیدگاه شهید مطهری. سیاست متعالیه، ۱۱(۱)، ۴۷-۶۴. ۱۴۰۲. ش؛
۱۸. مطلبی، مسعود، آقابرای، مهدی، دین و سیاست در آرا مرتضی مطهری نشریه مطالعات منافع ملی بهار ۱۳۹۶ شماره ۷. ۱۳۹۶. ش؛
۱۹. مطهری، مرتضی، ا، امامت و رهبری تهران انتشارات صدرا. ۱۳۶۶. ش؛
۲۰.، فلسفه، اخلاق، تهران دفتر انتشارات اسلامی. ۱۳۶۲. ش؛
۲۱.، ده گفتار، قم، صدرا، چاپ پنجم. ۱۳۶۸. ش؛
۲۲.، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، فرهنگ و اندیشه. ۱۳۷۲. ش؛
۲۳.، بیست گفتار، تهران، انتشارات صدرا. ۱۳۷۳. ش؛
۲۴.، تکامل اجتماعی انسان، قم، انتشارات صدرا. ۱۳۷۵. ش؛
۲۵.، علل گرایش به مادی‌گری، قم، صدرا. ۱۳۷۵. ش؛
۲۶.، بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی در صدسال اخیر، قم، انتشارات صدرا. ۱۳۷۷. ش؛

۲۷. حماسه حسینی، تهران، صدرا. ۱۳۷۷. ش؛
۲۸. پیرامون انقلاب اسلامی، قم، انتشارات صدرا. ۱۳۷۸. ش؛
۲۹. جامعه و تاریخ، قم، انتشارات صدرا. ۱۳۷۹. ش؛
۳۰. انسان و سرنوشت، قم، انتشارات صدرا. ۱۳۸۰. ش؛
۳۱. انسان و ایمان، تهران، انتشارات صدرا. ۱۳۸۲. ش؛
۳۲. اسلام و مقتضیات، زمان، قم، انتشارات صدرا